

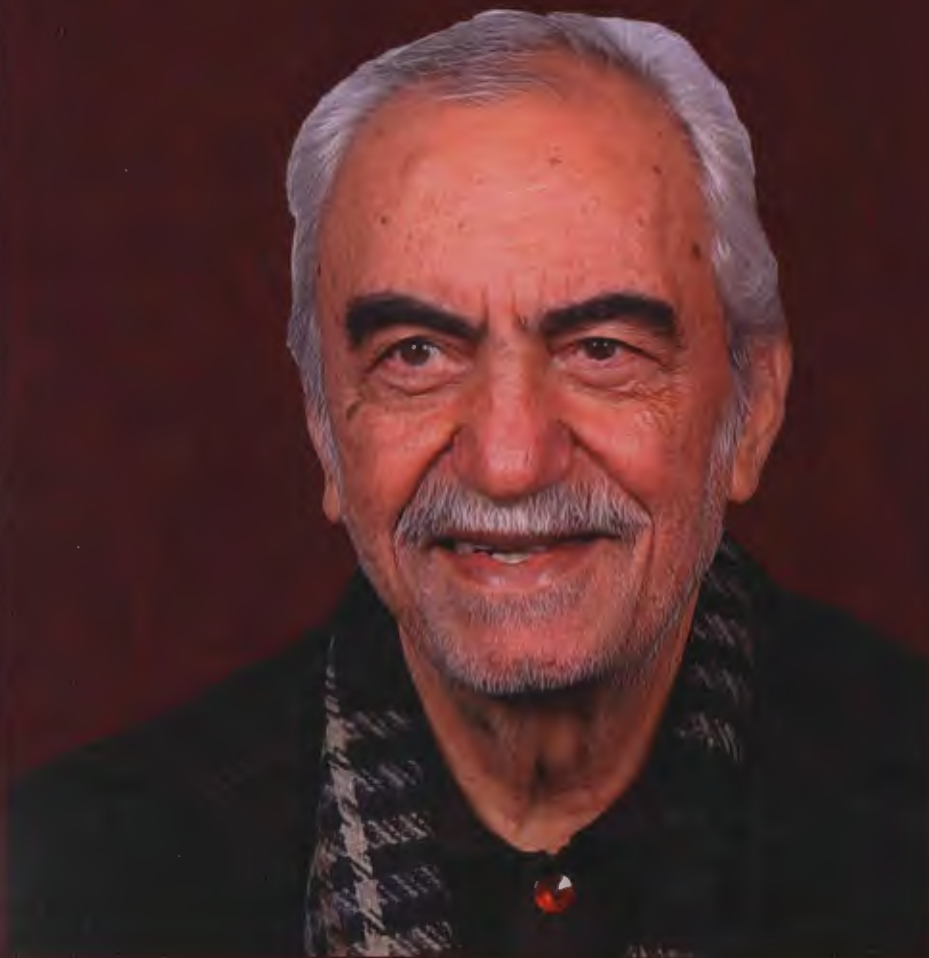


گفتگو با داوود کیانیان

یک عمر کودکی

منصور خلیج | تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران

گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



یک عمر کودکی

- کیانیان، داوود، ۱۳۲۱ -، مصاحبه‌شونده
- یک عمر کودکی: گفتگو با داوود کیانیان/ منصور خلیج؛ با همکاری گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری معاونت پژوهش و فن‌آوری برنامه‌ریزی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران. تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.
- ۱۹۳ ص: مصور
- تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران. گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان/ به کوشش بنیاد نمایش کودک.
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۰۶-۶
- گفتگو با داوود کیانیان.
- کیانیان، داوود، ۱۳۲۱ - - مصاحبه‌ها
- نمایش کودکان و نوجوانان - ایران
- نمایشنامه‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ - سرگذشتنامه
- نمایشنامه‌نویسان ایرانی - قرن ۱۴ - مصاحبه‌ها
- تاریخ شفاهی - ایران
- خلیج، منصور، ۱۳۲۹ -، مصاحبه‌گر
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. گروه اطلاع‌رسانی منابع دیداری و شنیداری
- بنیاد نمایش کودک
- رده‌بندی کنگره: PN۳۱۵۹
- رده‌بندی دیویی: ۷۹۲/۰۲۲۶۰۹۵۵
- شماره کتابشناسی ملی: ۷۶۶۸۵۲۴



گفتگو با داوود کیانیان

یک عمر کودکی

منصور خلج | تاریخ شفاهی یکصد سال تئاتر کودک و نوجوان در ایران

گفتگو با پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان | به کوشش بنیاد نمایش کودک



يك عمر كودكى

گفتگو: منصور خلیج

ویرایش: شکوفه جودکی

صفحه آرایی: فریدون سامانی

طراحی جلد: حمید باهو

مجموعه تاریخ شفاهی

چاپ اول: ۱۴۰۰ / ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۰۶-۶

ISBN: 978-600-405-706-6

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۷۸۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۵۰، طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت، مجتمع ایران مال، طبقه G3، شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران، میدان هروی، مجتمع هدیش مال

فروشگاه شماره چهار: خیابان فرشته، آقابزرگی، باغ ریشه، پ ۳۱

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶

آدرس سایت: www.salesspublication.com

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

این مجموعه شامل هفت گفتگو است: بانو پروانه باغچه‌بان، رضا بابک، داوود کیانیان، بهرام شاه‌محمدلو، قطب‌الدین صادقی، رضا فیاضی و منصور خلج، پیشکسوتان عرصهٔ تئاتر کودک و نوجوان.

با سپاس و همکاری:

ولی‌الله مرادی: (حمایت مالی)، منصور خلج: مدیر اجرایی جهت تولید کتاب، مرجان سمندری معطوف: تنظیم و بازخوانی، فهیمه آزاده: کارشناس مصاحبه، فاطمه جبرائیلی: پیاده‌سازی متن، مرضیه سادات مقیمی: تایپ، سهیلا صفری: پیاده‌سازی متن.

با سپاس ویژه از آقای غلامرضا عزیزی: رئیس پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی، سرکار خانم شفیقه سادات نیک‌نفس: رئیس گروه تاریخ شفاهی و آقای محمد محمدی‌نیا: همکار اجرایی.

اعضای بنیاد نمایش کودک

دکتر یدالله وفاداری، دکتر یدالله آقاعباسی، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی‌حسین، داوود کیانیان و فاتره فیض‌شیخ‌الاسلام.

فهرست

۱۱.....	به نام تصویرگر هرچه زیبایی است
۱۷.....	مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران
۲۱.....	مقدمه بنیاد نمایش کودک
۲۳.....	یک عمر کودکی
۲۵.....	گفتگو با داوود کیانیان
۱۸۵.....	ضمیمه

گفتگو با داوود کیانیان



به نام تصویرگر هرچه زیبایی است

«گر در سرت هوای وصال است حافظا

باید که خاکِ درگه اهلِ هنر شوی»

مقال و مقوله هنر، از هر سنخ و صنفی، قدمتی به درازای تاریخ حیات بشری دارد. هنر کمالِ زیبایی است و انسان هم ذاتاً زیباگو و زیباخو و زیباپسند. از همین رو، حس زیبایی شناسی و زیبایی طلبی از آغاز با آدمی همراه و همزاد بوده است. هنر عصاره اندیشه‌هایی است که از عمق جان می‌جوشد و بر لوح هستی رخ می‌نمایاند. هنر در گُنه ذات و فطرتش دل‌نواز است و روح‌پرور، و هنرمند به پشتوانه چنین پیشینه‌ای دریچه‌ای از نشاط و شمع را فراروی دیدگان مشتاق می‌گشاید. از این منظر می‌توان هنر را دروازه تمدن بشر و شکوه خلاقیت نامید. هنرمندان در هر زمان و دوره‌ای، بخشی از تاریخ و تمدن ایران زمین را ورق زده‌اند و توریق این تاریخ سرشار آفرینش و زیبایی، چشمان تیزبین هر نظاره‌گری را به منظره‌هایی بکر و چشم‌نواز جلب و جذب می‌کند. ذهن و زبان این مفاخرانِ قبیله احساس و پیشقراولانِ قافله دانش، لبریز اندیشه‌های نابی است که هر کدام به نوبه خود خاستگاه لطافت و ظرافت‌اند. آسمان بلند فرهنگ و هنر ایران زمین همواره پرستاره بوده و فروغ فرهنگ فرزاندگی ایرانیان همواره دل و دیده جهانیان را روشنی و گرمی بخشیده است.

پاسداشتِ اهالی سربلندِ هنر و هنرمندانِ نام‌آورِ اهلِ دل در واقع گسترشِ آیینِ تکریم و قدرشناسی در جامعه است؛ مفهومی ارجمند که چه بسا گاهی ناغافل از کنارش می‌گذریم و زمانی به خود می‌آییم که نه نشانی از هنر مانده است و نه ردی از هنرمند. هنرمندان پیشکسوت از جمله سرمایه‌های اجتماعی هستند که دانش، بینش و مهارت آن‌ها آمیخته با تجربه‌های گرانسنگی شده که می‌تواند چراغِ راهِ آیندگان و علاقه‌مندان تمامی عرصه‌های هنری باشد. حضور و تنفس این روسفیدان موسپید در جامعه، به واسطهٔ یادگارهای ماندگارشان، سرشارِ انگیزه و انرژی برای نسل‌هایی است که پایه‌پای آثارشان بالیده و خاطرات خوشی را در ذهن و ضمیر خویش حک کرده‌اند.

پیشکسوتان عرصهٔ هنر، در حقیقت باید نوعی ارتباط بین نسل‌های مختلف برقرار نمایند و با ثبت و ضبط تجربه‌های خود به نسل جوان و جویای هنرهای ناب کمک کنند. بر ماست که این گوهران نابِ نایاب و معرفت وجودی آن‌ها را شناسایی کرده و در کسب معرفت از آنان یاری جوییم تا خدای ناکرده آیندگان بر ما خرده نگیرند. ایران مهدِ بالندهٔ فرهنگ و هنری است که سهمی شایان در بنیان‌های تمدن بشری دارد و نمایاندن گوشه‌های پنهان هنر و فرهنگ این سرزمین و پهنهٔ ایرانِ فرهنگی به همت و تلاش اساتید و سعی پیشکسوتان فراهم آمده که در راه اعتلایش از خود گذشته‌اند تا این شکوه فرهنگی را به جهانیان برسانند و این میسر نمی‌شود مگر با ثبت رویدادهای زندگی این هنرمندان. این سرزمین زرخیز در طول تاریخ هنرمندان زیادی را به خود دیده است، اما شاید مردم این سامان تعداد کمی از آن‌ها را به خاطر سپرده‌اند. به این دلیل که تجارب و خاطرات آن‌ها ثبت نشده، آن هم در جهان نوینی که قابلیت‌های آن فراتر از کاغذ و کتاب است. به عبارتی در چنین شرایطی، فیلم و صوت و فضای مجازی به صحنه آمده است. آیندگان ما را نمی‌بخشند اگر نتوانیم این تجربه‌ها را با چنین ابزارهای نوظهوری به دست آن‌ها برسانیم. خوشحال و خرسندیم که دیرگاهی است نهضتِ کرامتِ هنرمندان آغاز

شده و مراکز فرهنگی، هرکدام بنا به حوزه مسئولیت و میزان توانایی خویش، نکوداشت هنرآفرینان و خالقان هنر را در دستور کار قرار داده‌اند. در این میان، خلأ کم‌توجهی به هنرمندان حوزه کودک - علی‌رغم نقش حساس و حیاتی‌شان - بیش از پیش احساس می‌شود. بدیهی است که ذهن و ضمیر کودک همچون لوح سفید نانوشته‌ای آماده پذیرش هر کنش و واکنشی است؛ بنابراین شخصیت انسان از کودکی شکل گرفته و با همان دیدگاه و اندیشه ترقی می‌یابد. این نکته ظریفی است که گاهی هم از لحاظ روانشناسی و هم از جنبه ثبات ذهنی نادیده گرفته شده و در درازمدت بر خمیره وجودی این موجود زنده، تأثیری منفی و چه بسا ناخوشایند می‌گذارد. ترویج توجه به هنرمندان «کودک‌کار» و «کودک‌ساز» موجب رشد تفکر و بالندگی نسل آینده می‌شود، نسلی که قرار است در پرتو داشته‌ها و اندوخته‌های ذهنی خود، به پویایی جامعه‌اش کمک کند. با مرور همین چند جمله کوتاه درمی‌یابیم رسالت هنر را در ساختن شخصیت کودکان دلبندمان.

جهان کودک و هر آنچه با این دنیای خیال‌انگیز در ارتباط است ما را به دوردست‌های آرزوها می‌برد و مغروق دریای رؤیاها می‌کند. هنر به‌طور عام و متأثر به‌طور خاص یکی از بی‌شمار مسیرهایی است که می‌تواند با خلق لحظه‌های شگفت، آموزه‌های چگونه زیستن را به مخاطب ویژه‌اش در این بازه سنی انتقال دهد. فرهنگ، هنر و ادبیات کودک در ایران امروز همپای دیگر نقاط جهان به رشد و تعالی فوق‌العاده‌ای رسیده است. دستیابی به چنین افتخار بزرگی در این حوزه حساس، که شخصیت انسان بر آن بنیان می‌شود، مدیون و مرهون اندیشه‌های نابی است که در کنار علاقه و استعداد ذاتی توانسته‌اند به مدد همت و حمیت وصف‌ناپذیرشان چراغ این مسیر را روشن نگه دارند. «داوود کیانیان» از آن دست انسان‌های فعالی است که «یک عمر کودکی» پرخاطره خویش را صرف شادی کودکان کرد.

کیانیان هنرمند در خانواده‌ای هنرمند پای به عرصه گیتی گذاشت که هر

کدام دستی بر آتش هنر دارند و در جای خود قابل ستایش. داوود این خاندان اما در تئاتر کودک و نوجوان بسیار درخشید و قدم و قلمش آفرینشگر آثار ماندگاری شد. او که با نمایش «غیر از خدا هیچ کس نبود» به کودکان و نوجوانان سلام داد، مخاطبانش را در «پسرای عموصحرا و دخترای ننه دریا» به سرزمین خیال‌ها و خاطره‌ها برد. همچون «باران» به جهان کودکان طراوت بخشید و با «گنجشک اشی‌اشی‌مشی» لبخند بر لب‌های میزبانان پاک‌فطرتش نشانند. در نمایش جذاب و دیدنی «پرنده و فیل» ذهن و ضمیر نونهالان را به کنکاش در عالم خلقت کشاند. «این عروسک مال کیه؟»، «راز درخت مقدس»، «شطرنج‌باز» و «داد و بیداد» از دیگر خلاقانه‌های این هنرمند کودک‌دوست است که با دوستانش روی صحنه اجرا شده‌اند و خاطرات خوشی را در آلبوم خاطرات بچه‌ها رقم زده‌اند.

کیانیان جدا از کارگردانی و اجرا، در عرصه نویسندگی نیز موفق بوده و آثار متعددی در قالب نمایشنامه و پژوهش خلق کرده است. وی را می‌توان به گواه همین آثار قلمی توانمند، یکی از پیشگامان تئاتر کودک ایران قلمداد کرد که دلسوزانه در این مسیر قدم برداشته و در حفظ این ژانر و تقویت آن کوشیده است. وی با بنیان نهادن «بنیاد نمایش کودک» پرچمدار حفظ و اشاعه تئاتر برای این گروه سنی شد.

کتاب پیش‌رو، یکی از بی‌شمار آثاری است که به زیور طبع آراسته شده تا تجربیات هنرمندانی از تبار آئینه و لبخند را به مخاطب ارزانی دارد. هنرمندانی که به گواه تاریخ، در زمره بهترین‌ها هستند و همچنان در یادها و خاطره‌ها جاودانه می‌مانند. کتاب وزین یک عمر کودکی در حقیقت ارج‌نامه داوود کیانیان هنرمند است؛ هفتمین ارج‌نامه از هفتگانه بزرگداشت یاد و خاطره پیشکسوتان تئاتر کودک و نوجوان ایران زمین. نویسنده‌ای که یک عمر کودکی کرد تا تئاتر کودک رونق بگیرد و این هنر والا علی‌رغم ناملایمی‌های زمانه همچنان پویا و سرزنده بماند. داوود کیانیان پژوهنده و پیشکسوت تئاتر کودک

و نوجوان، گنجی است گرانها از گنجینه‌های هنر میهن سربلندمان که آرزومندیم تا دنیا دنیاست سایه‌اش بر سر هنر و فرهنگ میهن‌مان مدام و مستدام باشد.

«مؤسسه هنرمندان پیشکسوت» به‌عنوان متولیِ تکریمِ این قشر فرهیخته و فرهنگ‌مدار، از جمله برنامه‌ریزی‌هایی که انجام داده ثبتِ تاریخ شفاهی و تجربه‌زیستی این هنرمندان است که به‌صورت مکتوب در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. از این بابت به خود می‌بالیم که توانسته‌ایم علاوه بر رسالتِ ذاتی مؤسسه، در حد ضرورت و امکان، قدمی هرچند کوچک اما ماندگار در گرامی‌داشت پیشکسوتان هنر برداریم.

جا دارد از مجموعه دوستداران فرهنگ و هنر ایران‌زمین در «بنیاد نمایش کودک»، «کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران» که این خاطرات را با علاقه و سعه صدر ثبت و ضبط کردند تشکر نمایم، همچنین قدردانی ویژه از «جناب آقای محمدعلی جعفریه» مدیر محترم انتشارات ثالث که برای چاپ شایسته‌آثاری از این دست همت به خرج دادند. بیکران سپاس از نویسنده و پژوهشگر هنر و ادبیات، خاصه حوزه کودک و نوجوان، جناب مستطاب «منصور خلیج» نیک‌آیین که عاشقانه چنین اثر نابي را به رشته تحریر درآوردند. قدرشناسی ویژه از صمیمیتِ بیانِ راویِ این اثر شایسته؛ «داوود کیانیان»، که طبع اثرِ حاضر، حاصلِ واگویی‌های چون درّ و گوهر اوست. باشد که مقبول نظر دوستداران هنر و هنرمندان واقع شود. امیدوارم هنرمندان صاحب‌نام و دانش‌گسترانِ صاحب‌سبک را در زمان حیات‌شان دریابیم و از گنجینه نهفته در ذهن و ضمیرشان بهره بگیریم تا در پیشگاه جان‌های آگاه سرافکنده نباشیم.

نیکنام حسین‌پور

مدیرعامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت

پاییز ۱۴۰۰

مقدمه پژوهشگاه سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قریب به سه دهه است که سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در زمینه تهیه و تدوین طرح و مصاحبه تاریخ شفاهی فعالیت دارد و از این رهگذر تاکنون با بیش از ۷۵۰ نفر از شخصیت‌های مؤثر در حوزه‌های مختلف سیاسی، هنری، فرهنگی و علمی بیش از سه هزار ساعت مصاحبه کرده است. بر این مقدار باید حداقل مدت هزار ساعت مصاحبه انجام شده در مدیریت‌های دوازده‌گانه سازمان اسناد و کتابخانه ملی در استان‌ها را هم افزود که در حوزه تاریخ محلی به مصاحبه با شخصیت‌های اثرگذار تاریخ معاصر می‌پردازند.

فعالیت تاریخ شفاهی در سازمان اسناد ملی در ۱۳۷۱ آغاز شد و در طول زمان و در تشکیلات نوین سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران تداوم یافت. از این رو این سازمان را می‌توان جزء پیشگامان این حوزه پژوهشی در ایران دانست که با توجه به ماهیتش از سوی مرجع آرشیو و علوم آرشیوی برای دستگاه دولت و از سوی دیگر مرجع علوم اطلاعات و دانش‌شناسی بوده، هدف آن سازمان حوزه پژوهش تاریخ شفاهی، نیز پاسخگویی به جمیع مخاطبان پژوهشگر تاریخ معاصر ایران در حوزه‌های گوناگون سیاسی، علمی، فرهنگی و هنری بوده است.

در آرشیو ملی ایران پیشینه چشمگیری در باب تاریخ هنرهای نمایشی وجود

دارد تا آنجا که بالغ بر دوهزار عنوان سند با موضوع نمایش و تئاتر در گنجینه اسناد این سازمان نگهداری می‌شود و به پشتوانه همین اسناد در ۱۳۸۱ کتاب دوجلدی *گزیده اسناد نمایش در ایران (از انقلاب مشروطیت تا ۱۳۲۰)* با استفاده از این گنجینه به چاپ رسید. همچنین کتاب نمایش در تبریز از انقلاب مشروطه تا نهضت ملی نفت نیز در ۱۳۸۲ از مجموعه اسناد ملی در استان آذربایجان شرقی در تبریز به چاپ رسید. گذشته از اسناد دولتی، در مجموعه اسناد اهدایی نیز اسناد اهدایی جبار باغچه‌بان، یکی از مجموعه‌های مهم در زمینه اسناد نمایش در حوزه تئاتر کودکان و نوجوانان است که مبنای پژوهش‌های مهمی در این زمینه قرار گرفته است.

در مجموعه‌های تاریخ شفاهی نیز پیش از این در سه مقطع زمانی به این موضوع توجه شده و مصاحبه‌های گسترده‌ای صورت گرفته است. یک بار در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ که مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان آن عبارت بودند از علی اصغر گرمسیری، غلامحسین نقشینه، مرتضی احمدی، ساموئل خاچیکیان، ولی الله خاکدان، نصرت‌الله کریمی، توران مهرزاد، رقیه چهره‌آزاد، مهری مهرنیا و جمعی دیگر از بزرگان. پس از آن دوباره در ۱۳۸۴ به این موضوع توجه شد و مصاحبه با هنرمندان نمایش چون جمشید لایق، جعفر والی، اسماعیل شنگله، فهیمه راستکار، محمدعلی کشاورز صورت گرفت.

بار دیگر در سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ بود که در قالب پروژه بزرگ تاریخ شفاهی، با تعدادی از هنرمندان عرصه نمایش مصاحبه به عمل آمد که مهم‌ترین مصاحبه‌شوندگان عبارت بودند از علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، قطب‌الدین صادقی، داوود رشیدی، داریوش فرهنگ، محمدعلی نجفی و ...

همچنین در ادامه این مصاحبه‌ها دو طرح «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم کارگردانان مؤلف سینما» و «تاریخ شفاهی سینمای ایران به روایت نسل دوم بازیگران سینما» نیز تهیه شده است که در فرصت مناسب در برنامه اجرا قرار خواهد گرفت.

در تکمیل موجودی یادشده، بر اساس تفاهم‌نامه سازمان اسناد و کتابخانه

ملی جمهوری اسلامی ایران با بنیاد نمایش کودک، طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان از سوی آقای داوود کیانیان در دست اجرا است که مصاحبه با ۲۰ تن از پیشکسوتان نمایش کودک و نوجوان را در دستور کار دارد. تا کنون با اغلب هنرمندان اثرگذار این صحنه، مصاحبه صورت گرفته است. از این دسته هنرمندان می‌توان به نام رضا بابک، رضا فیاضی، داوود کیانیان، احمد بیگلریان، عباس جهانگیریان، مسلم قاسمی، قطب‌الدین صادقی، منصور خلیج، عادل بزوده، حسن دادشکر، بهرام شاه‌محمدلو، رضا کیانیان، مجتبی کاظمی، مهدی قلعه، ناصر آویژه، امیر مشهدی‌عباس، مجتبی مهدی و نیز سرکار خانم‌ها پروانه باغچه‌بان، سوسن مقصودلو، هما جدیکار، لاله مالمیر، فائزه فیض و مریم کاظمی اشاره کرد. ایده تهیه تاریخ شفاهی نمایش کودک و نوجوان ابتدا به وسیله بنیاد نمایش کودک به سازمان پیشنهاد شد که پس از ارزیابی و طی مراحل اداری نسبت به اجرای طرح در قالب تفاهم‌نامه بین سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و بنیاد نمایش کودک تصمیم‌گیری شد که این تفاهم‌نامه در ذیل توجهات فرهنگ‌دوستانه سرکار خانم دکتر اشرف بروجردی، ریاست محترم سازمان اسناد و کتابخانه ملی در تاریخ ۲۳ تیرماه ۱۳۹۷ در مراسمی با حضور جمعی از هنرمندان و پژوهشگران حوزه نمایش کودک به نمایندگی آقای غلامرضا عزیزی از جانب سازمان و آقای داوود کیانیان از جانب بنیاد و با حضور حامی مالی طرح، آقای ولی‌الله مرادی بجستانی در ساختمان آرشیو ملی - سالن پرهام به امضا رسید و از آن تاریخ تا کنون که شانزده ماه از آغاز آن گذشته است بیش از سی جلسه مصاحبه تاریخ شفاهی با موضوع تئاتر کودک برگزار شده است.

مصاحبه‌های تاریخ شفاهی در این سازمان در استودیوی تاریخ شفاهی به صورت صوتی و تصویری ضبط شده و مراحل پیاده‌سازی، فهرست‌نویسی، ثبت اطلاعات کتابشناختی در نرم‌افزار رسا، اطلاع‌رسانی حضوری برای آن‌ها انجام می‌شود. همه پژوهشگران علاقه‌مند به این دسته از منابع با عضویت در کتابخانه

ملی می‌توانند به صورت کتابخانه مرجع از این منابع استفاده نمایند. هر گونه اطلاع‌رسانی منابع تاریخ شفاهی در این سازمان منوط به شرایط دسترسی اعلام شده از سوی مصاحبه‌شوندگان به سازمان است و سازمان خود را مکلف و ملزم به رعایت این شرایط می‌داند.

و سپاس از نیکنام حسین پور، مدیر عامل مؤسسه هنرمندان پیشکسوت، که با همت و یاری او این کتاب‌ها به دست انتشار سپرده شد تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

و تشکر از محمدعلی جعفریه، مدیر نشر ثالث، که با منایش کتاب‌ها به زیور چاپ آراسته شدند.

مجموعه حاضر، اولین مجلد از مجموعه مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان است که به همت بنیاد نمایش کودک منتشر گردیده است. این مصاحبه‌ها در گروه تاریخ شفاهی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ضبط و ثبت شده است.

امید است که این اقدام مشترک، قدم مؤثری در جهت حفظ هویت فرهنگی و هنری کشور عزیزمان، ایران و راهگشای پژوهشگران تاریخ معاصر باشد.

پژوهشکده اسناد - مهر ۱۳۹۸

مقدمه بنیاد نمایش کودک

اگر آغاز تئاتر کودک را ۱۲۹۸ش در نظر بگیریم که زنده‌یاد جبار باغچه‌بان با بچه‌های مدرسه «احمدیه» در مرنند نمایش «خُرخر» را روی صحنه برد، اینک ما در آغاز قرن دوم این پدیده مهم هنری و فرهنگی قرار داریم. این جریان فرهنگی، تدوین تاریخ یک قرن خود را می‌طلبد، فرهنگ‌نامه خود را می‌خواهد و پژوهش‌هایی را می‌طلبد که در کمیت و کیفیت آن به جست‌وجو بپردازند.

آنچه پیش روی شما است نخستین مجموعه از کتاب‌هایی است که در طرح تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان منتشر می‌شود. این طرح می‌کوشد زندگی، آثار، شیوه‌های آموختن و آموزش دادن‌های هنرمندان پیشکسوت تئاتر کودک را جمع‌آوری، تدوین و انتشار دهد تا تجربیات آن‌ها به کار نسل‌های بعد بیاید و چه نیکو که آغازگر این مجموعه، پروانه باغچه‌بان، فرزند برومند زنده‌یاد جبار باغچه‌بان است، که او خود آغازگر این حرکت فرهنگی هنری است. این مجموعه مروری است بر زندگی، به‌ویژه کودکی با تمرکز بر فعالیت‌های این هنرمندان در حوزه تئاتر کودک و نوجوان. امید است دیگر فعالیت‌های هنری و اجتماعی این هنرمندان نیز توسط دیگر پژوهشگران تدوین و منتشر شود.

در مسیر به ثمر رسیدن این کتاب همراهانی داشته‌ایم. سپاس فراوان داریم از آقای غلامرضا عزیزی، رئیس پژوهشکده، خانم شفیقه سادات نیک‌نفس، رئیس

گروه تاریخ شفاهی مرکز اسناد و کتابخانه ملی، و با سپاس ویژه از ولی الله مرادی بجستانی که با حمایت بی دریغشان ما را در ضبط و انتشار این مجموعه یاری کردند.

و اما اگر نبود نظارت و همراهی گام به گام اعضای بنیاد نمایش کودک این فعالیت نمی توانست به ثمر برسد. آنان که در طول چند سال در طرح، اجرا، ویراستاری و انتشار این مجموعه صمیمانه راه را هموار کردند.

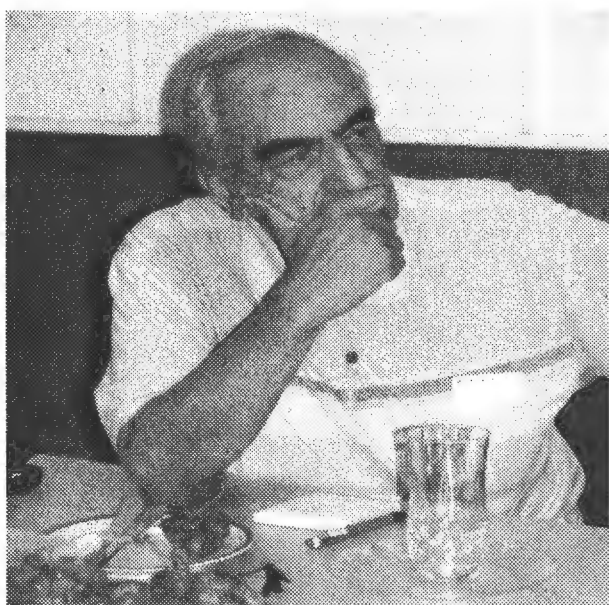
دکتر یدالله وفاداری، دکتر یدالله آقاعباسی، منصورخلج، مسلم قاسمی، عباس جهانگیریان، منوچهر اکبرلو، حسین فدایی حسین، داوود کیانیان و خانم فائزه فیض شیخ الاسلام.

بنیاد نمایش کودک

مهر ماه ۱۳۹۸

یک عمر کودکی

گفتگو با داوود کیانیان



گفتگوکننده و ویراستار: منصور خلیج

تاریخ گفتگو: جلسه اول: ۹۸/۲/۳

جلسه دوم: شهریور ۹۸

پیاده‌سازی، حروفچینی، تنظیم و بازخوانی: مرجان سمندری معطوف

تعداد فایل صوتی: ۶ فایل

مدت فایل صوتی: هشت ساعت و چهل و نه دقیقه

• آقای کیانیان خیلی خوش آمدید. تشکر می‌کنیم از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید، برای شروع بحث کمی از دوران کودکی و زادگاهتان بگویید، کجا متولد شدید و دوران کودکی خود را گذراندید؟

○ سلام. من هم خوشحالم از این که یکی از افرادی هستم که در این برنامه شرکت می‌کنم. زیرا تاریخ شفاهی تئاتر کودک و نوجوان برای من بسیار حائز اهمیت است. با توجه به این که صد سال سابقه و پیشینه دارد. اما در رابطه با سؤال شما باید بگویم، من متولد سی‌ام دی ماه سال ۱۳۲۱ در تهران هستم. خیابان خراسان. خیابانی که سر آن ماشین دودی مشهور بود. و ما دوران کودکی‌مان را با ماشین دودی سپری کردیم. خاطرم هست بچه که بودم سوار ماشین دودی می‌شدیم و تا شاه عبدالعظیم می‌رفتیم و بر می‌گشتیم یا کلی توی ریل‌های راه‌آهن آن بازی می‌کردیم.

• تا آن‌جا که می‌دانم شما را به عنوان یک هرمند مشهدی می‌شناسند، اما می‌فرمایید در تهران متولد شده‌اید و دوران کودکی خود را در تهران گذرانده‌اید، تا چند سالگی در تهران بودید؟

○ درست می‌فرمایید. من حدوداً تا نه سالگی در تهران بودم. یعنی تا سوم دبستان. من در دبستانی واقع در چهارراه مختاری و شاپور سابق درس می‌خواندم. از سال سوم دبستان پدرم به مشهد مهاجرت کرد. علت مهاجرت ایشان هم نذری بود که سال‌ها قبل کرده بود، یعنی پیش از آنکه

صاحب فرزند شود. گویا پدرم برای فرزند داشتن دچار مشکل بود، زیرا بعد از چند سال که ازدواج کرده بود صاحب فرزند نمی‌شد. تا این‌که به امامزاده داوود می‌رود. آن‌جا نذر می‌کند اگر بچه‌دار شوند اسم بچه را داوود بگذارد. به همین خاطر وقتی که من به دنیا آمدم اسم من را داوود گذاشت. دوباره بعد از هفت، هشت سال، بچه‌دار نمی‌شود. این بار به مشهد می‌رود. آن‌جا نذر می‌کند که اگر بچه‌دار شود اسمش را رضا می‌گذارد، به مشهد می‌رود و آن‌جا مجاور می‌شود. خلاصه بعد از مدتی بچه‌دار می‌شوند و اسم بچه را هم رضا می‌گذارد. این‌طوری شد که خانواده را به مشهد می‌برد و ساکن آن‌جا می‌شود، کنار امام رضا. یعنی این‌گونه بود که وقتی سال ۱۳۳۰ رضا متولد شد، پدرم بار و بندیش را جمع کرد و کسب و کار خود را در مشهد راه‌اندازی کرد و از آن‌جا به بعد دیگر ما مشهدی شدیم. من تا حدود سال ۱۳۷۰ هم مشهد بودم. تا این‌که به دعوت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به تهران آمدم.

● از دوران تحصیل خود بگویید. برای تحصیل چه رشته‌ای را انتخاب کردید و کجا درس خواندید؟

○ اگر اجازه بدهید سعی می‌کنم بیشتر از مسائلی صحبت کنم که به نوعی به تئاتر کودک و نوجوان ارتباط پیدا کند، چون در واقع این‌جا تاریخ شفاهی‌اش در حال بررسی، تدوین و تهیه شدن است. همان‌طور که گفتم تا زمانی که تهران بودیم یعنی تا مقطع سوم دبستان در مدرسه‌ای واقع در چهارراه مختاری درس می‌خواندم. خاطرم هست سال اول دبستان که بودم برای پایان سال تحصیلی یک نمایشی را تدارک دیده بودند که من هم یکی از کسانی بودم که در آن نمایش نقش کوچکی را ایفا می‌کردم. این‌که چه نقشی را بازی می‌کردم الان یادم نیست. ولی خاطرم هست آن‌جا اولین بار بود که طعم روی صحنه رفتن را چشیدم. اولین بار بود که دیده شدن را حس کردم. علاوه بر این‌ها برای حضور در آن نمایش یک خودکار هم

به من جایزه دادند. این تجربه فوق‌العاده‌ای برای من بود و بر روی من تأثیر عمیقی گذاشت. احساس می‌کردم چقدر جالب است که آدم مورد توجه قرار بگیرد. من با این توجه و گرفتن جایزه دارای اعتماد به نفس شده بودم. فهمیدم که آدم می‌تواند با روی صحنه رفتن مورد توجه دیگران قرار بگیرد و این مسئله چقدر می‌تواند لذت بخش باشد. از همین جا بود که این انگیزه در من کلید خورد که باید آن را پیگیری کنم. البته مسائل دیگری هم در این رابطه وجود داشت که در این تصمیم‌گیری خیلی موثر بودند. البته توجه داشته باشید برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های شخصی، یکی هم مسائل ژنتیکی است که به نوعی باید گفت تا حدودی در خانواده ما این گرایش وجود داشت. یعنی پدر و عموهای من هم به نوعی چنین تجربیاتی در زندگی داشتند. مثلاً گاهی اوقات، در خاطراتشان تعریف می‌کردند که تئاتر روحوضی بازی می‌کردند. عموی بزرگ من سیاه می‌شد و پدر من نقش حاجی را بازی می‌کرد. یا عموی کوچکم به تعزیه و شبیه‌خوانی گرایش داشت. جالب است حتی فوتش هم به هنگام اجرای نقش یکی از اشخاص تعزیه اتفاق می‌افتد. می‌خواهم بگویم طبیعتاً این گرایش‌ها هم روی ما تأثیر داشت. و بعد محیط و فضای رشد ما بود که در انتخاب راه ما تأثیر گذار بود. من تا سال‌های نوجوانی شاهد اجراهای نمایش‌های خانوادگی در فامیل بودم.

● چطور؟

○ همان‌طور که می‌دانید آن موقع هنوز تئاتر، تلویزیون و چنین مواردی در زندگی ما خیلی رشد نکرده بود. فقط سینما بود که آن هم عشق ما بود. پدرم هم خیلی سینما را دوست داشت. حتی تعریف می‌کرد که برای تست بازیگری در فیلم «دختر لر» شرکت کرده بود. به همین خاطر ما زیاد سینما می‌رفتیم. آن زمان برنامه کودک و نوجوان یا کتاب و مجله‌ای برای کودکان و نوجوانان نبود. فقط قصه‌های ظهرهای جمعه رادیو با صدای زنده

یاد «صبحی» بود که من از مشتری‌های پر و پا قرص آن بودم. اما فعالیت‌های نمایشی در خانواده و فامیل خیلی مطرح بود. عموی ما مجلس گردان خوبی بود. خوب تقلید می‌کرد، به سبک‌های مختلف آواز ایرانی و یا خارجی می‌خواند، به‌ویژه آوازهای عربی که آن موقع فیلم‌های عربی هم بسیار رواج داشت. در واقع این‌ها بود که دست به دست هم می‌داد و ناخودآگاه ما را می‌ساخت. اما من فکر می‌کنم تعیین کننده همیشه خود شخص است. خود شخص است که از این امکاناتی که به صورت ژنتیکی یا محیطی برای او فراهم می‌شود، استفاده می‌کند، می‌رود تا به آرزوهایش برسد. حتی در بعضی مقاطع با مخالفت و یا موانع شدیدی مواجه می‌شدیم، اما به دلیل انگیزه‌های قوی‌ای که داشتیم به گرایش‌هایی که داشتیم، ادامه می‌دادیم.

● در خراسان چطور وارد دنیای تئاتر شدید، چطور با گروه‌های تئاتری آشنا شدید؟

○ در مشهد تا سال‌های سال، دچار هجران بودم و متأسفانه نمی‌شد آن چیزی را که در مدرسه تهران حس کرده و دیده بودم را در مدرسه‌های آن‌جا دنبال کنم. از همین رو دیگر در دوران دبستان این اتفاق برای من نیفتاد و من در نمایشی حضور پیدا نکردم. به خصوص در دبستانی که من مشغول تحصیل شدم. دبستان شرافت واقع در بست پایین خیابان که محیط بسیار آلوده و فقیرانه‌ای داشت. ولی من با کمک رضا برادرم این خلاء را در خانواده و بعد در کوچه و محله‌ی مان برای خودمان پر کردیم.

● چگونه این خلاء را پر کردید؟

○ مثلاً در کوچه، من بچه‌ها را دور خود جمع می‌کردم و برای آن‌ها قصه می‌گفتم. کم‌کم احساس کردم که این قصه‌ها را می‌شود نمایش هم داد، چون رضا که حدود ده سال از من کوچکتر بود و عشق تقلید داشت، اجازه می‌داد که او را به هر شکلی در آورم تا نقش را بازی کند. خودش

هم خیلی به این کار علاقه داشت. مثلاً چادر مادرمان را روی شانه‌اش می‌بستیم، می‌شد «شَزین» که یکی از شخصیت‌های فیلم‌های آمریکایی آن موقع بود که به صورت سریالی در سینماها پخش می‌شد. چیزی شبیه «زرو» و «مرد عنکبوتی» بود که بعدها اتفاق افتادند و او به کمک مردم ستم‌دیده می‌شتافت یا در کوچه با دوچرخه یک آپارات ساخته بودیم که فیلم‌های آن موقع را که به نوعی در قرقره‌های ویژه‌ای جمع کرده بودیم روی پرده‌ای که آویزان می‌کردیم نمایش می‌دادیم. محله ما محله‌ای در خیابان تهران، به نام محله باغ‌خونی بود.



رضا کیانیان در چهار سالگی در نقش «زرو»

● چرا به آن جا باغ خونی می گفتند؟

○ نمی دانم، شاید به خاطر این که در آن جا باغ وزارت بازرگانی شوروی سابق بود. ولی باور کنید من هنوز که هنوز است علت دقیق این نام گذاری را نمی دانم. البته یکی از دوستانم چند شب پیش با من تماس گرفت و گفت خاطرات باغ خونی را به صورت کتاب منتشر کرده است و آن قضیه قصه گویی ها و نمایش دادن فیلم ها را هم در آن ذکر کرده است. احتمالاً آن جا گفته است که چرا به آن جا باغ خونی می گفتند. خلاصه دوران دبستان ما بیشتر به این شکل گذشت.



کودکی رضا کیانیان و نوجوانی داوود کیانیان، سال ۱۳۳۴

ولی برای گذراندن دوران دبیرستان من به دنبال دبیرستانی بودم که در آن جا فعالیت های تئاتری انجام شود و من نیز بتوانم در این زمینه کار کنم. خوشبختانه توانستم چنین دبیرستانی را هم پیدا کنم و علی رغم این که خانه